بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه روابط اجتماعی / حب و بغض

# اشاره

در پایه روابط مسلمانان و مؤمنان به دو مفهوم کلیدی در قرآن کریم اخوت و ولایت است. معانی مترتب بر ولایت که به شکلی مشترک لفظی بود را در 5 معنا ذکر شد که با قرائن معنای چهارم برگزیده شد و در صورت تردید و اشکال به معنای سوم که به اخوت نزدیک‌تر است متمایل می‌شویم.

سؤال: ... .

جواب: کسی ممکن است بگوید که **﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِناتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِياءُ بَعْض﴾**[[1]](#footnote-1) مانند آیه **﴿إِنَّما وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذينَ آمَنُوا الَّذينَ يُقيمُونَ الصَّلاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكاةَ وَ هُمْ راكِعُونَ﴾[[2]](#footnote-2)** یعنی ولی شما مؤمنان است و با قرائن داخلی و بیرون از آن منظور ائمه و پیامبر (ص) است یا آیه **﴿اطیعوا الله و رسوله و اولی الامرمنکم ﴾** که اولی الامر افراد خاصی هستند و اولیا هم چنین هستند. این احتمال ممکن است که **﴿بَعْضُهُمْ أَوْلِياءُ بَعْض﴾**‏ بعض گروه معینی از آن ابهام تام شامل، گروه معینی باشد ولی دیگران‌اند. این احتمال خلاف ظاهر است.

سؤال: ... .

جواب: بله، ولایت مانند پیامبر و ائمه (عله) هم احتمال دارد که بعض معین باشد ولی بقیه باشند. حال یک درجه پایین‌تر بیاییم که معنای آیه بیان سلسله‌مراتب جامعه است؛ یعنی علما نوعی تفضل دارند یا امرا نوعی برتری دارند و ولایت در موضع بالا باشد؛ منتها نه در عالی‌ترین سطح.

این دو احتمال بعید است؛ زیرا اولاً آیه هر دو جنس مرد و زن مؤمن را شامل می شود. ثانیاً «بعضهم اولیا بعض» که دو حالت اجماع و ابهام دارد، می رساند که هر کسی می تواند مصداق آن بعض اول یا دوم باشد.

در جواب می‌توان گفت که بعض اول، تعداد خاصی هستند و بعض دوم گروه دیگری هستند. این دو احتمال خلاف ظاهر است به خصوص با توجه به ما بعد آیه که فرموده: **﴿يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾[[3]](#footnote-3)** در امر به معروف هر کسی نسبت به دیگری حق امر و نهی شرعی دارد. قرائن داخلی و شواهد متعددی وجود دارد که بیانگر متعین بودن «ولی» به معنای پنجم است.

سؤال: ... .

جواب: این فرع به معنای آری یعنی اینکه پایه اخوت است به این معنا بله در رتبه بالاتری است؛ ولی فرع یکی از لوازم آن را در کنارش می‌گوید و به معنای نه هم معلوم است.

### رابطه ولایت با محبت

اولیا به نحو تضمن یا التزام شامل محبت و دوستی است؛ این ولایت متقابل و متعامل که میان آحاد جامعه اسلامی برقرار شده یا در مفهومش محبت و دوستی آمده است کما اینکه در بسیاری از لغت‌نامه‌ها آمده است و اگر آن هم نباشد قطعاً به دلالت التزامی نوعی محبت در هسته معنای ولایت نهفته است.

سؤال: ... .

جواب: آن حق نظارت مطلق نیست؛ یعنی نظارت متقابلی که مبتنی بر پایه دوستی و محبت باشد؛ یعنی معانی قبل در معنای چهارم از دست نرفته است.

### معنای مشترک لفظی در ولایت

مشترک لفظی گاهی معانی هم‌عرض را می‌گیرد مانند کلمه عین به معنای چشم و چشمه و جاسوس. روشن‌تر از آن جایی است که در قبیله‌ها بدون اطلاع از هم، یکی در این معنا و دیگری به معنای دومی بکار ببرد و بعد وقتی که قبائل جمع شدند مشترک لفظی پدید می‌‌آید. اینجا تعدد معانی لفظ به شکل مشترک لفظی بر اساس یک پیوندی بین معانی نیست، این یک نوع اشتراک لفظی است؛ اما اشتراک لفظی بسیار رایج‌تر از آن است که لفظ بر اساس یک پیوند بین معنای دوم و اول آمده و معنای جدید پیدا کرده است، بدون اینکه معنای قبلی مهجور شود و معانی با یک محاسبه و پیوند پدیدار شده است. البته در ابتدا مجاز و بعد حقیقت می‌شود و از آن به معنای دیگر منتقل می‌شود.

حال مشترک لفظی نوع دوم بر دو قسم است: گاهی این لفظ معنای جدید پیدا کرد، بر اساس یک وجه مشابهت منتقل شده است اما در معنای جدید، معنای قبلی رنگ می‌بازد؛ گاهی دیگر به یک شکلی آن هست منتها با یک ملات بیشتر.

در کلمه اولیاء ضمن اینکه آن نظارت متقابل را شامل می‌شود درعین‌حال آن قرب و محبت را شامل می‌شود که از باب تضمن است و اگر اشکال شود به دلالت التزامی استناد می‌کنیم. همان‌طور که در مفهوم اخوت پایه را بر آیه **﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾**[[4]](#footnote-4)قرار دادیم، بعد آیات پیرامون آن را اشاره کردیم. آیاتی که به ولایت متقابل میان آحاد جامعه اسلامی اشاره کرده‌اند حجم بالاتری از آیات دارند که ولایت بین مسلمانان و غیر مسلمانان را نفی می‌کند مانند: **﴿يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَ عَدُوَّكُمْ أَوْلِياءَ﴾[[5]](#footnote-5).**

دو گروه آیات را در مقابل هم قرار بدهید معنای برجسته‌تری پیدا می‌کند؛ مانند: **﴿بَعْضُهُمْ أَوْلِياءُ بَعْض﴾**‏[[6]](#footnote-6) و **﴿يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَ النَّصارى‏ أَوْلِياءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِياءُ بَعْضٍ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمين﴾‏**[[7]](#footnote-7).

همان‌طور که گروه آیات در برابر هم از باب علاقه تضاد و تقابل معنا می‌دهند؛ یک گروه دیگری هم هست که در سوره توبه هم آمده است: **﴿الْمُنافِقُونَ وَ الْمُنافِقاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْض﴾‏[[8]](#footnote-8)** جایی هم درباره کفار «اولیاء» بکار می‌برد؛ یعنی یک نوع ولایت باطلی را بین آن‌ها قائل می‌شود. گاهی هم برای بیان باطل بودن ولایت کفار کلمه اولیاء را نمی‌آورد برای اینکه بفهماند که ولایت سطحی و غیر عمیق است و تعارض ندارد.

بنابراین، اولیاء و بعض به عنوان هسته مفهومی در روابط اجتماعی بین مسلمانان و مؤمنان باید با دو گروه دیگر آیات مقایسه شود: آیاتی که می‌گوید پیوندی با آن‌ها نداریم و آیاتی که می‌گوید ولایت دروغین و نادرستی میان کفار و منافقین است.

### اخبار یا انشای در آیه

نکته دیگر اینکه با توجه به آیه جمله خبریه است یا انشائیه که 5 احتمال در **﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾**[[9]](#footnote-9) گفتیم و همان مباحث در اینجا تکرار می شود؛ یعنی:

1. انشای حکم تکلیفی باشد، یعنی باید به همدیگر اعمال ولایت کنند.
2. انشای حکم وضعی باشد.
3. اخبار محض است.
4. اخبار مستلزم یک انشا باشد.
5. همزمان خبر و انشا باشد (تکلیفی و وضعی).

سؤال: ... .

جواب: این‌ها قرائنی است که پیدا می شود.

سؤال: ... .

جواب: در کفار داریم که نکته دارد و در منافقین دارد بعضهم من بعض که درباره آن‌ها در قرآن ولایتی وجود ندارد ولی در روایات داریم.

### سومین آیه در بحث حب و بغض

قرآن کریم در سوره انفال آیه 72 می‌فرماید:

**﴿إِنَّ الَّذينَ آمَنُوا وَ هاجَرُوا وَ جاهَدُوا بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ في‏ سَبيلِ اللَّهِ وَ الَّذينَ آوَوْا وَ نَصَرُوا أُولئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِياءُ بَعْضٍ وَ الَّذينَ آمَنُوا وَ لَمْ يُهاجِرُوا ما لَكُمْ مِنْ وَلايَتِهِمْ مِنْ شَيْ‏ءٍ حَتَّى يُهاجِرُوا وَ إِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلاَّ عَلى‏ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ ميثاقٌ وَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ بَصير﴾.**[[10]](#footnote-10)

این آیه شریفه مهاجرین را که در مکه ایمان آوردند را به عنوان گروه اول بیان می‌کند و **﴿وَ الَّذينَ آوَوْا وَ نَصَرُوا﴾** که مقصود انصار و استقبال کنندگان از مهاجرین در مدینه گروه دوم هستند، سپس می‌فرماید **﴿أُولئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِياءُ بَعْضٍ﴾** و بعد می‌فرماید: **﴿وَ الَّذينَ آمَنُوا وَ لَمْ يُهاجِرُوا ما لَكُمْ مِنْ وَلايَتِهِمْ مِنْ شَيْ‏ءٍ﴾** یعنی یک گروهی هم بودند که مهاجرت نکردند و فرمان پیامبر را اطاعت نکردند که افراد محدودی بودند نسبت به آن‌ها ولایت را نفی می‌کند نه مطلقاً. **﴿حَتَّى يُهاجِرُوا وَ إِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ﴾** این آیه ولایتی را که در آیه قبل داشتیم را بیان نمی‌کند. اولیای اول که در آیه آمده است ولایت غنی‌تر و درجه راقیه از آن ولایت عامه بین مسلمانان است این یک درجه خاصی از ولایت قرار داده که متفاوت از ولایت قبلی است. همان‌طور که اخوت عامه وجود دارد؛ ولی اخوت‌ها به معانی و درجات خاص داریم: از اخوتی که با عقد اخوت پیدا می‌شود تا اخوت‌هایی که بر اساس ویژگی‌های اخلاقی و روحی میان افراد قوی‌تر می‌شود و بعد اخوت‌های خاصه پیدا می‌شود. در ولایت هم همین‌طور است. بعد 5 قانون متفرع بر آن را در ولایت ذکر کرد، آن ولایت بین جامعه اسلامی پخش شده است؛ اما این آیه در ابتدا ولایت خاصه را ولایتی می‌داند که مهاجر و انصار پای دین ایستادند و به فرمان‌های رسول خدا در مکه و مدینه کامل عمل کردند؛ در حدی که بعضی گفته‌اند این ولایت خاصه مبنای ارث بردن مهاجر و انصار بود و بعد با آیه **﴿وَ أُولُوا الْأَرْحامِ بَعْضُهُمْ أَوْلى‏ بِبَعْض﴾‏[[11]](#footnote-11)** نسخ شد.

برد مفهومی آیه نسبت به ارث نسخ شده است و نسخ مطلق نداریم بعد از آن هم اولیاء بعض دارد یک ولایت خاصه را می‌گوید بین دو گروه برجسته و ممتازی که پای دین و همه چیز ایستادند، الان هم وقتی می‌گوییم مسلمانان اولیای هم هستند یک ولایت عامه است که همه را می‌گیرد ولی یک ولایت خاصه‌ای هم داریم که در محور مقاومت اخص می‌شود به آن‌هایی که از اعتقادات قوی‌تر و سالم و کامل برخوردار هستند.

این‌ها درجات ممتاز ولایت و مراتب راقیه ولایت در این آیات آمده است یا نسخ نشده است اگر هم نسخ شده فقط می‌گوید که اولیاء در آن یک توارث هم بود که با آیه بعدی نسخ شده و الا آن قرب و محبت و پیوند میان مهاجر و انصار پای کار بین آن‌ها و بقیه‌ای که بی‌رمق بودند و توجهی به مسائل نداشتند یا منافقین نیست.

سؤال: ... .

جواب: بعضی نکات ویژه در نسخ وجود دارد که یکی را بیان شد. گاهی نسخ که می‌گویند یعنی اینکه دایره معنایی را ضیق می‌کند، اولیاء توارث هم فرضاً در آن بوده است، آیه **﴿وَ أُولُوا الْأَرْحامِ بَعْضُهُمْ أَوْلى‏ بِبَعْض﴾‏[[12]](#footnote-12)** آن را جدا می‌کند نه اینکه کل اولیاء و ولایت خاصه را نفی کند.

سؤال: ... .

جواب: یعنی نسخ گوشه‌ای از معنا است و در تاریخ به این معنا استعمال شده است؛ که علامه طباطبایی در المیزان و آیه الله خویی در البیان، دو کتابی است که درباره نسخ جدی بحث کرده‌اند.

بنابراین، تفاوت این آیه با آیه قبل در ولایت خاصه است که در آن محبت خاصه و روابط خاصه هست و پیوندها و همیاری که در آن ولایت عامه بود اما اینجا خاص و برجسته‌تر آن است. پس این دو آیه هر کدام به یک بخش اشاره دارند اولی همان ولایت مشترکه و دومی به ولایت خاصه مربوط است.

در ادامه آن قرآن می‌فرماید: **﴿وَ الَّذينَ آمَنُوا وَ لَمْ يُهاجِرُوا ما لَكُمْ مِنْ وَلايَتِهِمْ مِنْ شَيْ‏ءٍ﴾**[[13]](#footnote-13) تخصیص می‌‌زند و می‌گوید درعین‌حال از ولایت خاصه نیست حال اگر همین‌هایی که در مکه مورد هجوم قرار گرفتند و مهاجرت نکردند شما باید آن‌ها را یاری کنید. عین این است که فلسطینی که اهل سنت هستند را باید یاری کنیم آن‌ها با اینکه به لحاظ اعتقادی در جهات ولایت با ما اختلاف دارند. **﴿مِنْ شَيْ‏ءٍ﴾** یعنی همان ولایت خاصه که در اینجا گفتیم اما اگر استنصار کردند به یاری آن‌ها بشتابید؛ زیرا اولیای عامه که در سوره توبه بود اینجا هم هست زیرا خدا و پیامبر و معاد را قبول دارند منتها آن همت و حمیت لازم برای آن مهاجرت بزرگ را نداشتند.

روشن است که مهاجرت از مکه به مدینه، راهبرد بزرگی بود و یک فداکاری فوق‌العاده هم می‌طلبید که معلوم نبود آینده چه می‌شود، تمام علقه‌های اجتماعی را کنار می‌زند این کار سختی بود و لذا بعضی هم تن به آن ندادند درعین‌حال عقیده آن را داشتند و منافق و کافر نبودند منتها عاصی بودند که عاصی هم بسیار است.

سؤال: ... .

جواب: این احتمال وجود دارد؛ ولی استنصار و وجوب یاری آن‌ها بر پایه اخوت و ولایت است.

سؤال:... .

جواب: مصلحت این است که پیوندها قطع نشده است و روابط متقابل هم اخوت و ولایت است و مشمول آیه قبلی است.

سؤال: ... .

جواب: بله، وقتی که به آن گروه از آیات مانند: **﴿يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَ عَدُوَّكُمْ أَوْلِياءَ﴾[[14]](#footnote-14)** برسیم، بحث می‌کنیم که نفی ولایت جامعه ایمانی با کفار، یعنی نفی مطلق یا اینکه چه قید و تفاسیری دارد.

### چهارمین آیه در بحث حب و بغض (آیه مودت)

خداوند در سوره مریم آیه 96 می‌فرماید: **﴿إِنَّ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمنُ وُدًّا﴾[[15]](#footnote-15)** خداوند برای مؤمنان مودتی به صورت کلمه نکره قرار می‌دهد.

سؤال: ... .

جواب: ذیل کلیت بحث آیات ولایت است، آیات ولایت همان دو مورد بود که دو گروه دیگر از آیات مربوط به ولایت وجود دارد که مربوط به کفار یا مسلمانان و کفار می‌شود.

1. - آیه 71 سوره توبه. [↑](#footnote-ref-1)
2. - آیه 55، سوره مائده. [↑](#footnote-ref-2)
3. . آیه 71 سوره توبه. [↑](#footnote-ref-3)
4. - سوره مبارکه حجرات، آیه 10 [↑](#footnote-ref-4)
5. سوره مبارکه ممتحنه، آیه 1. [↑](#footnote-ref-5)
6. - آیه 71 سوره توبه. [↑](#footnote-ref-6)
7. . سوره مبارکه مائده، آیه 51. [↑](#footnote-ref-7)
8. . سوره مبارکه توبه، آیه 67. [↑](#footnote-ref-8)
9. - سوره مبارکه حجرات، آیه 10 [↑](#footnote-ref-9)
10. . سوره مبارکه انفال، آیه 72. [↑](#footnote-ref-10)
11. . سوره مبارکه احزاب، آیه 6. [↑](#footnote-ref-11)
12. . سوره مبارکه احزاب، آیه 6. [↑](#footnote-ref-12)
13. . سوره مبارکه انفال، آیه 72. [↑](#footnote-ref-13)
14. سوره مبارکه ممتحنه، آیه 1. [↑](#footnote-ref-14)
15. . سوره مبارکه کریم، آیه 96. [↑](#footnote-ref-15)